دریچه

در انتخاب برنده بخش فیلم کوتاه همکاری با «تیک‌تاک» برای کن دردسرساز شد!

همدلی| به دلیل پافشـــاری تیک‌تاک بر سر انتخاب برنده بخش مشـــترک این رسانه اجتماعی با جشنواره فیلم کن، ریتی پان رئیس هیات داوران این بخش استعفا کرد. به نقل از هالیوود ریپورتر، از همان ابتدا به نظر می‌رســید تصمیم جشنواره کن ۲۰۲۲ برای مشارکت با تیک‌تاک تلاشی برای جلب‌توجه جوانان جهان باشد و درعین‌حال بتواند به‌نوعی برخورد فرهنگی هم منجر شود. حالا این فستیوال مطرح با چالشی بزرگ مواجه شده چون این غول رسانه‌های اجتماعی، استقلال هیات داوران آن را زیر سوال برده است. ریتی پان فیلم‌ساز مطرح سینمای هنری و نامزد دریافت جایزه اسکار که در سال ۲۰۱۹ رئیس هیات داوران بخش دوربین طلایی کن هم بود، از مقام خود به‌عنوان رئیس هیات داوران بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه تیک‌تاکی جشنواره کن استعفا کرد. دلیل این خروج، مشکلات او با تیک‌تاک سر «حفظ استقلال و قدرت هیات داوران» اعلام شـد. قرار بود این رقابت ویژه جدید به خالقان محتوا اجازه دهد با استفاده از امکاناتی که اپلیکیشن تیک‌تاک در اختیارشان می‌گذارد، فیلمی کوتاه بین ۳۰ثانیه تا سه دقیقه بسازند و در انتها جایزه‌ای هم در بخش‌های جایزه بزرگ، بهترین فیلم‌نامه و بهترین تدوین از سـوی مدیر فستیوال دریافت کنند. علاوه بر پان، هیات داوران شامل فیلم‌سـازانی ازجمله کامیل دوسلیه، باسما خلیفا و آن جلا دیابنگ می‌شـد. خابی لیم ستاره محبوب تیک‌تاک هم به جمع هیات داوران اضافه شد. اما به گفته پان، تیک‌تاک سعی کرد تمامیت هنری این بخش رقابتی را زیر پا بگذارد چون مدیران شرکت تلاش کردند رای هیات داوران را تغییر دهند و عناوینی که خودشان می‌خواستند را برنده کنند. عناوین مورد انتخاب آن‌ها ساخته خالقان بزرگ و شناخته‌شده بودند و بسیاری از تولیدکنندگان کوچک‌تر نادیده گرفته شـدند. پان گفت تیک‌تاک دارد با این بخش هنری مانند یکی از پروژه‌های بازاریابی خود برخورد می‌کند و اضافـه کرد: آن‌ها باید بفهمند که هیـات داوران در یک رقابت هنری، هیات داوران است، الگوریتم نیست. پان گفت این مسـئله را با تیری فرمو مدیر فستیوال مطرح کرده و او گفته اگر چنین وضعیتی وجود دارد، تصمیم اسـتعفای او درست بوده است. فرمو همچنین به دیگر اعضای هیات داوران گفته هر جور که مایل هستند واکنش نشان دهند اما تا به حال حرفی از حذف کردن این بخش رقابتی نزده است.

داوران دوازدهمین آکادمی فیلم کوتاه ایران معرفی‌شدند

همدلی| صدوبیسـت و چهار داور عضو آکادمی و ۱۲داور میهمان دوازدهمیـن دوره جوایز آکادمی فیلم کوتاه ایران (ایسفا) معرفی شدند. به نقل از روابط عمومی دوازدهمین دوره جوایز آکادمی فیلم کوتاه ایران (ایسفا)، اسامی داوران این دوره مشـتمل بـر ۱۲۴داور عضو آکادمـی و ۱۲داور میهمان و مجموع ۱۳۶فیلم‌سـاز و هنرمند فعال در صنف سـینمای کوتاه معرفی شدند. بر این اسـاس، جوایز این دوره از جشـن آکادمی ایسـفا بر مبنای آرای این داوران اهدا خواهد شد. فهرسـت داوران دوازدهمین دوره جایزه آکادمی ایسـفا بدون اولویت عبارت‌اند از: ابوالفضل کریمی اصل، ابوذر ضرابی، احسـان شادمانی، احمد بهرامی، اسما ابراهیم‌زادگان، اصغر سیدحسینی (آتبین حسینی)، اعظم نجفیان، الهام آقالری، الهام حسین‌زاده، الهام معروفی، امید عبدالهی، امید وفایی، امیر تودەروستا، امیرحسین حیدری، امیررضا جلالیان، امیرحسین حداد خوشبین، امیرحسین دیباج، امیرحسین سیاح، انسیه ملکی، آرمان خوانساریان، آرمان فیاض، آرین وزیردفتری، بهروز بادروج، بهزاد آزادی، بهمن اردلان، بهمن دادفر، بیژن زمان‌پیرا، پویان شعله‌ور، پیام دهکردی، پیـام عزیزی، پیروز کرمی، پیمان حقانی، جهـان آذری، حامد ثابت، حامد اصلانی، حسـن اصلانی، حسن میرزایی، حسین توکلی، حسین ریگی، حمید ناصری مقدم، حمیدرضا زبیر، داریوش یاری، داود عباسی قشلاقی، راضیه پروین‌نیا، رامین ابوالصدق، رضا شـاد، رضا نجاتی، رقیه توکلی گردفرامرزی، روح‌اله مولوی، زاهد ملکی، سالم صلواتی، سروش علیزاده، سعید پوراسماعیلی، سوگل رضوانی دهاقانی، سیامک کاشف آذر، سید عباسعلی قاسم‌نژاد، سید مرتضی سبزقبا، سیدمحمدحسین محجلین، سینا گنجوی، شاهین پورداداشی، شاهین کربلایی طاهر، شهرام مکری، شـهرزاد دادگر، شیرین برق‌نورد، عارف نامور، عاطفه خادم الرضا، عباس فتحی اشکانی، علی رشیدی‌فر، علی تاجیک، علی حسـین‌زاده، علی درخشنده، علی رضا بختیان، علی قاضی، علی کاظمی‌نژاد، علیرضا قاسمی، عماد خدابخش، غلامرضـا حیدری، غلامرضا رضوی، فراز مدیری، فرشـاد محمدی، فـرود عوض‌پور، قصیده گلمکانی، کامیاب امین عشـایری، کاوه قهرمان، کاوه مظاهری، کوروش عسگری، کیارش اسـدی‌زاده، کیوان معتمدی، گلاب آدینه، لقمان خالدی، مجید موثقی، مجیـد پیل‌افکن، مجید قربانی‌فر، مجید گرجیان، مجید نجاتی، مجید یزدانی، محمد ارژنگ، محمد پوستین‌دوز، محمدتقی فکوری‌نیا، محمد حمزه‌ای، محمد خوش‌لحن، محمدمهدی جواهری‌زاده، محمدحسن شـاه محمدی، محمدرضا جهان‌پناه، محمدرضا سرمدی، محمدرضا کارکوش، محمدرضا گوهری، محمد مجلل نجار، محمدمهدی باقری، مرتضی جذاب، مرجان اشـرفی‌زاده، مرجان ریاحی، مریم اسـمی‌خانی، مستانه مهاجر، مسعود امینی‌تیرانی، مصطفی امامی، مصطفی آل‌احمد، مصطفی گندمکار، مهدی رضایی، مهدی بوستانی شهربابکی، مهدی دوایی، مهدی قربان‌پور، مهران رسول‌زاده، میردولت موسوی، میثم صمدی بهرامی، ناصر ضمیری، ناهید طباطبایی، نگین امین‌زاده، نوید صولتی، هادی معنوی‌پور، وحید ابراهیمی، وحید حاجیلویی، وحید حسـن‌زاده، وحید صادقی صفت، وریا عبدیانی.

وجوه دیگر «عثمان محمدپرست» به روایت هوشنگ جاوید در گفت‌وگو با «همدلی»

از دوتارنوازی تا مدرسه‌سازی

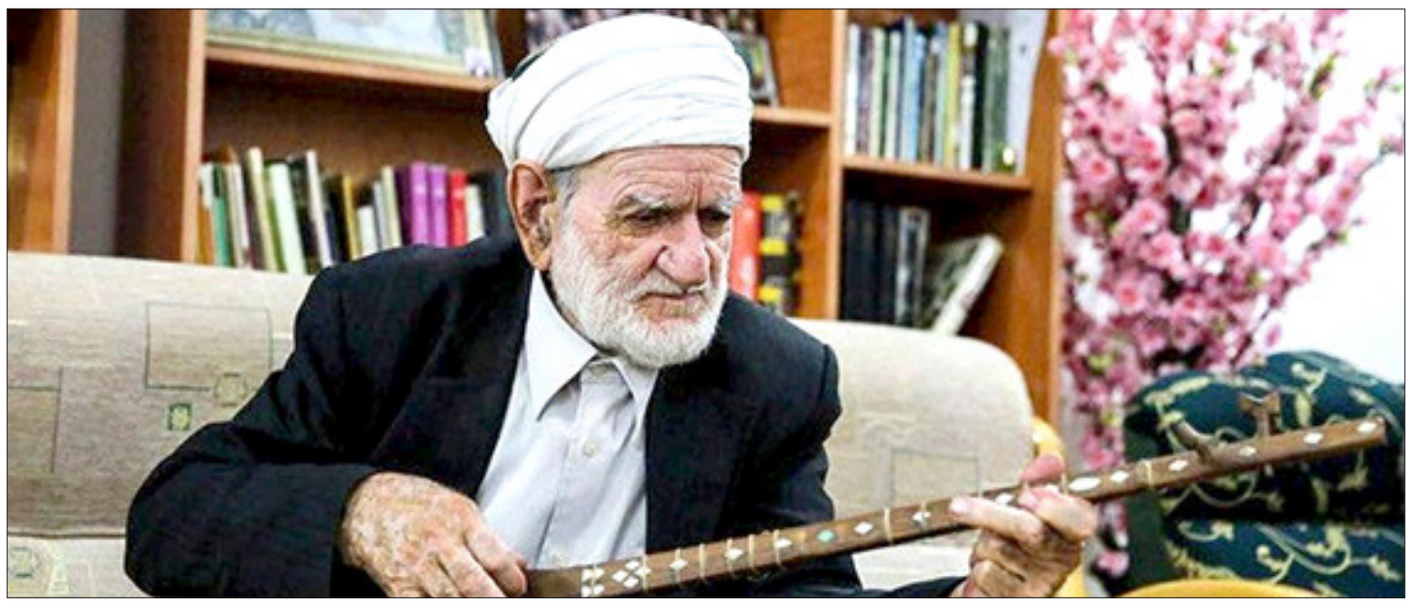

همدلی| علی نامجو:« پیرمرد کلام نافذی داشت و وقتی از ارتباط موسیقی و خدا حرف می‌زد اشـک در چشمانش جمع می‌شد. به معنای واقعی کلمـه معتقد و مذهبی بود و درعین‌حال، عاشـق هنر موسیقی. در طول ۹دهه نفس کشـیدنش روی این کره خاکی همه هم‌وغمش خوشـحال کـردن مردمان سـرزمینش بـود و بـه همیـن خاطر هم رفت سراغ شـیرین‌نوازی و خواندن ازآنچه شـنوندگان را به وجد می‌آورد. در کار خیر یـک وزارتخانه تک‌نفره بـود و گفته‌اند در سـاخت ۹۰۰مدرسه نقش اساسی ایفا کرد. خط اتوبوس‌رانی خواف مشهد و خواف تهران هم از یادگاری‌های ماندگار اوست که باعث شد بسیاری از جوانان دیارش درس بخوانند و راهی دانشگاه بشوند. عثمان محمدپرست را اگر یک موزیسـین بدانیم در حقش جفا کرده‌ایـم؛ او غایت هنر بود؛ توجه به مردم و کار کردن برای شـادی دل آنان. هوشنگ جاوید؛ پژوهشـگر موسیقی نواحی در رثای او نوشت: «خداحافظ عثمان محمد پرست؛ ایران‌دوست، هنرمند، صحنه را ترک کردی؟ اما با چهار کلاس سوادت و یک دوتار ساده و کمی اسـتعداد آواز، چه کردی! اول خط اتوبوس بین‌شـهری راه انداختـی تا مردم منطقه محروم خواف در آن زمان به شهرهای بزرگ راه پیدا کنند؛ چقدر مدرک‌گرفته‌ها از این مهر تو تقدیر کردنـد؟ بعد با کمک دو یار کاشانی و مسیحی‌ات به مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی؛ آن‌ها در زمانه‌ای که هیچ‌کس به این اندیشه‌ها نبود؛ عثمان تو چقدر عاشـق بودی مرد! یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: «این سـازم مثل خودم پیر شده. حالا از ما چی بر بیاد خدا، میدونه!» یادت باشد جایی گفتـی: خداوند جهان هسـتی را بر مبنای موسـیقی آفریـد. ما نباید مغلـوب تهاجم فرهنگی بشـویم. موسـیقی برایت حرمت داشت؛ برای همین هرجایی هنرت را عرضه نکردی. در سـال ۹۰ گفته بـودی: ای‌کاش مسـئولان فرهنگی در بیان اشتیاق خود به موسـیقی دچار تردید نبودند. حالا رفتی و خیال خیلی‌ها راحت شـد. از شمس‌اله پونه شـنیدم مدیر ارشـاد خواف هم رفته سفر! عیبی نیست؛ مردم که هستند، خدایت هم هست. دوتار از تو، دوبیتی از من زار؛ بنالیم، آی بنالیم، آی بنالیم.» برای نکوداشـت این هنرمند و خیر نامدار با هوشـنگ جاوید به گفت‌وگو نشسـته‌ایم. در ادامه بخشی از این گفت‌وگوی مشروح را می‌خوانید:

◄ اولین ملاقات شما با روانشاد عثمان محمدپرست چطور شکل گرفت؟ اصلاً چرا با او دیدار کردید؟

اولین بار برای اعتراض با زنده‌یاد محمدپرست ملاقات کردم. من نقشی از موسیقی خراسان را در اجراهـای او می‌دیدم اما جنس اصلی موسیقی خراسان نبود یعنی کارهای او رنگ و بوی خراسانی داشـت اما خراسانی اصیل نبـود. از همین نقطه مواجهـه ما باهم آغاز شـد. ما یکدیگر را در جشنواره‌ای در مشهد دیدیـم و همان‌جا به آقای محمدپرسـت گفتم ما در موسـیقی نواحی اختراع نداریم؛ با این توضیح شـما چطور می‌گویی که ساز یا یک اثر را اختراع کـرده‌ام. از همان زمان مراوده و گفت‌وگوهای ما باهم شـروع شد. او خـودش ماجـرا را برایم از آغـاز تعریف کرد. علی‌رغم آنکـه خیلی‌ها می‌گویند که عثمان محمدپرسـت شـهرت‌طلب بود و با وصل کردن خودش به این‌وآن می‌کوشـید تا معروف بشـود، او اصـلاً چنین روحیاتی نداشت. اتفاقاً برخی از او و نامش استفاده و سوءاستفاده هم کرده بودند. این پیرمرد در زمانی که باید شهرتش را به دست آورده بود.

◄لطفاً کمی بیشتر توضیح بدهید...

او پیـش از انقلاب توانسـته بـود از طریق موسـیقی به رادیو راه پیدا کند و به شهرت هم برسـد. با این توضیح اصلاً لازم نبود که به دنبال شـهرت بدود. عـلاوه بر این، او در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی هم شرکت کرده بود و در سـطح جهـان هم اجراهای مختلفی را به روی صحنه برده بود. او ترانه‌ای به نام معصومه جان معصومه داشت. این ترانه از کارهای روانشاد عثمان محمد پرست بود که از همان زمان خراسـانی‌ها با آن آشنایی داشتند و خیلی خوب هم می‌دانستند که چه کسـی این اثر را ساخته است. با این توضیح اینکـه او در ایام جوانی گمنام بوده و بعد از انقلاب تلاش کرده تا شـناخته شود به‌کلی غلط اسـت. خودش می‌گفت در سـال‌های جوانی او موسیقی منطقه خواف آن‌چنان‌که امروز به آن نگاه می‌شـود پر نبود؛ کارهای مرسوم این منطقه در آن ایام به چهار بیتی، ملاممدخان، علی‌خان و یکی دو آهنگ دیگر محدود می‌شد؛ آوازهایی مثل نواحی را هم به‌صورت چاوشی می‌خواندند.

◄او اصلاً چطور به موسیقی و البته شیوه خودش در دوتارنـــوازی و خوانندگی رسید؟

زنده‌یاد محمدپرسـت به‌واسطه علاقه‌ای که به موسـیقی داشته، دوتار را از دوستانی که داشـته می‌گیرد و بودن اینکه نزد استادی نواختن را بیاموزد خودش شروع به نوازندگی می‌کند. اینکه کسی به‌صورت تجربی دوتار زدن را یاد بگیرد بسـیار مشـکل است. او دوستی به نام عباسـعلی پورصدیق داشت که تار را به شیوه موسیقی ردیفی دستگاهی می‌نواخـت. تا جایی که به یـاد دارم آقای پورصدیق در این اواخر دف هم می‌زد. آقای محمدپرست به سـراغ او می‌رود و می‌گوید می‌خواهم صدای دوتارم را به صدای سه‌تار و تاری که در رادیو نواخته می‌شـود، نزدیک کنم. دو سه ماهی زمان می‌برد تـا بـا هماهنگی این دوست بتواند پرده‌های دوتارش را جابه‌جـا کنـد و بـه صدایی که می خوا سـته ، برسـد. اتفاقاً سیم دوتـارش را هم از آقای پورصدیق می‌گیـرد. درنهایت چیزی پدید می‌آید کـه من نامش را گذاشـته‌ام دوتار عثمانی. چون ویژه عثمان محمدپرست است. این دوتار پیش از او در منطقه خراسان جنوبی وجود نداشته است.

◄ بنابراین منظـــور او از اختراع همین بوده است؟

بله؛ یکـی از ابداعات او همین بوده اسـت. وقتی شـما به موسـیقی ردیفی دستگاهی علاقه‌مند باشـید و دل‌بسته موسیقی رادیو، وقتی مشـغول نواختن دوتار در موسـیقی نواحی هسـتید، دوست دارید این صدا را به صدای موسیقی ردیفی دستگاهی پخش‌شده از رادیو برسانید. در این میان برخی موارد به شیوه نوازندگی هنرمند بستگی دارد. روانشاد محمدپرسـت در این مرحلـه بخش‌هایی را به کارش اضافه می‌کنـد که آن‌ها را هم می‌شود در ردیف شیوه‌های نوازندگی او قرار داد. بنابراین شیوه و سبک نوازندگی عثمان محمدپرست و دوتاری که در دست داشت، خـاص خود او بـود که رنگی از موسـیقی خراسان داشـت و رنگی از موسیقی رسانه. او به‌انـدازه دانش خـودش و البته به‌عنوان هنرورز فعال در عالم موسـیقی این مسیر را در پیش گرفت. اگر به او و کارهایش این‌گونه نگاه کنیم او به شیوه و سبک و سیاقی دست پیـدا کرد که مخصوص خود او بود. کسـی نمی‌تواند این شـیوه را محکـوم کند بلکه نوعـی ابداع بود که او می‌توانسـت آن را به نـام خودش ثبت کند اما ازآنجاکه کمی هم لجباز بود اصلاً به دنبال ثبت این شیوه به نام خودش نرفت.

◄ البته به این معنا در موسیقی ردیفی دستگاهی هم شـــیوه‌هایی داریم که امروز به‌عنوان ردیف هنرمندان مختلف شهرت پیدا کرده است...

دقیقاً درست اسـت؛ بنابراین امروز به شیوه اسـتاد کریمی، میرزا عبدالله، میرزا حسین قلـی و دیگـران ردیـف آنـان می‌گوییم درحالی‌که هفت‌دسـتگاه و پنـج آواز باهم تفاوتی ندارند؛ تفاوت در بداهه‌های لحظه‌ای بوده کـه به یاد هر یک از آنـان می‌آمده و شـیوه و قرائت هر یک از آنـان از ردیف را ساخته است.

◄ از نگاه شـــما عثمان محمدپرســـت آن‌طور که باید قدر دید؟

او در ازای کارهـای خوبـی که برای جامعه خودش انجـام داد، به‌قدری بدی دید که از حضور در بسـیاری محافل متنفر شده بود. یک‌بار از او پرسـیدم چند شـاگرد تربیت کرده‌ای و او پاسـخ داد من فقط یک شاگرد دارم و آن‌هم آقای شـمس الله پونه اسـت. گفتم فرزندانـت چه و پاسـخ داد اصلاً به فرزندانم گفتم که به سمت موسیقی نیایند و بـه فکر خدمت به مردم از راه‌های دیگری باشند مثل فعالیت درزمینه اتوبوس‌رانی و...

◄ از اتوبوس‌رانی نـام بردید و به یاد بخشـــی از نوشته شما افتادم که به یاد او در کانال تلگرامتان منتشـــر کردید؛ ماجرای راه‌اندازی خط خواف به مشهد و بعدتر خط خواف به تهران چه بود؟

اواخر دهه سی و اوایل دهه چهل او تصمیم می‌گیرد خط اتوبوس‌رانی خواف به مشـهد را راه‌اندازی کنـد؛ در آن ایام مردم منطقه دسترسی بسـیار سـختی به مرکز استان داشـتند و همیـن موضوع سـبب بروز سـختی‌های زیادی در زندگی آنان بود. عثمان محمدپرست بـا یکـی دو نفـر تصمیـم می‌گیرد اتوبوسی تهیه کند و آن را بگذارد برای جابه‌جایـی هرروزه مـردم از خـواف بـه مشـهد. بعد از مدتی سـندیکا یا اتحادیه اتوبوس‌رانان در مسـیر فعالیت او در این زمینه سنگ‌اندازی می‌کنند و اجازه کار به او را نمی‌دهند. آقای محمدپرست هم به استاندار نامه می‌نویسد و بعـد هم به دیـدار او مـی‌رود و ماجرا را برای او تعریف می‌کند. او می‌گوید که ما در شهرسـتان خواف دسترسی به مرکز استان نداریم و حالا هم که اتوبوسی فراهم کرده‌ایم تا مردم را به مشهد جابه‌جا کند جلوی پای ما سـنگ‌اندازی می‌کنند. بدخواهان وقتی می‌بینند که او در زمینه کاری که آغاز کرده ثابت‌قدم است مجبور می‌شوند تا حدی با او کنار بیایند اما نیمی از صندلی‌های اتوبوس را به‌عنوان باج از او می‌گیرند و شرط می‌گذارند کـه باید نصـف صندلی‌ها را به مسـافران اختصاص بدهد و بقیه صندلی‌ها تا نیمه‌راه خالی باشـد تا آنان در مثلاً سبزوار مسافران خودشان را بدون پرداخت هزینه به او سوار کننـد. کار تا مدتی به همین شـیوه پیش می‌رود تا اینکه اتوبـوس دوم هم خریداری می‌شـود و در ادامه او خط خواف به تهران را هـم راه‌انـدازی می‌کنـد و از این طریق بسـیاری از جوانان منطقه که می‌خواستند سوادشان بشـوند بعد از گرفتن دیپلم راهی تهـران می‌شـوند و به دانشـگاه می‌روند و مسیر تحصیلشان در دانشگاه با همین خط اتوبوس‌رانی هموار می‌شود. به همین خاطر هم بسـیاری از مردم منطقه خودشـان را مدیون عثمان محمدپرست می‌دانند.

◄ به مدرسه‌ســـازی او در کنار دو یار او که یکی اهل کاشـــان بود و دیگری نه مسلمان که مسیحی بود، برسیم...

بله؛ او به همراه دو تن از دوستانش انجمنی با نام «یاری» راه‌اندازی می‌کند و در روزگاری که هیچ‌کسی به فکر مدرسه و مدرسه‌سازی نبود پـا در مسـیری می‌گذارد کـه واقعاً مایه افتخار اسـت. عثمان محمدپرسـت و دوسـتانش در طول چند سال ۹۰۰مدرسه می‌سازند. باورتان می‌شود؟

◄ ساخت این تعداد مدرسه شاید از آمار مدرسه‌سازی نهاد و ارگان‌هایی که برای این وظیفه بودجه‌های قابل‌توجه دارند هم بیشتر است. موافقید؟

بله؛ دقیقاً. حالا شـما فکـر کنید این‌همه هنرمند کـه ادعاهـای عجیب‌وغریبی هم دارند امـروز می‌تواننـد ادعا کننـد که با وجود دسترسـی به شـبکه‌های اجتماعی و شـهرت‌هایی که مدیون همین شـبکه‌ها هستند می‌توانند به یک‌دهم این عدد حتی نزدیک بشوند؟

◄ ماجرای اجرای روانشاد محمدپرست با زنده‌یاد شجریان در طالقان چه بود؟

اتفاقاً آن برنامه هم در یکی از جلسـاتی که او و به همراه دوسـتانش برای مدرسه‌سازی در طالقان داشتند، شکل گرفت. دوستانش او را در بسیاری از جلسات با حضور خیرین دعوت می‌کردنـد و او هم برای اینکه عموم را به وجد بیاورد برایشـان دوتـار می‌زد و می‌خواند. یک‌مرتبه برای ساخت مدرسه‌ای در طالقـان او را بـه این شـهر می‌برند و به‌صورت اتفاقی مرحوم شـجریان هم آنجا حضور داشته است. آقای محمدپرست شروع می‌کند بـه دوتارنوازی و آن‌طور که خودش روایت می‌کند چون در مایه ماهور می‌نوازد آقای شـجریان تعجب می‌کنـد و به وجد می‌آید. به همین دلیـل هم آن‌چنان‌که در فیلم آن برنامه هم مشـخص است به آقای محمد پرست می‌گوید به نواختن ادامه بدهد و او هم همراهش شروع به خواندن می‌کند. اگر دقت کنید می‌بینید که این کار هم بدون هیـچ برنامه‌ریزی و در یـک اتفاق تصادفی رخ می‌دهـد و فیلمـش الآن بـرای همه قابل‌دسترسی است. عثمان محمدپرست در همه زندگی همین‌طور بود و برخلاف ادعای بسیاری هیچ‌کدام از کارهایش با برنامه‌ریزی و در جهت کسـب شهرت نبود؛ او آن زمانی که باید به شهرت دست پیدا کرد و همان‌طور کـه خودش می‌گفـت در ادامه هم هدفش خوشـحال کردن مردم بـود. هر جا هم که می‌رفت دلش می‌خواست مردم را خوشحال کند و به همین خاطر دست به ساز می‌برد؛ زنده‌یاد محمدپرست هیچ ادعایی نداشت و آدمی ساده‌دل و مهربان بود. کاش قدرش را بیشتر می‌دانستند.

◄ بـــا توجه به توضیحاتـــی که دادید، زنده‌یاد محمدپرست برخلاف بسیاری از اســـتادان پیشکســـوت در عرصه موسیقی نواحی خوشبختانه ازنظر مالی مشکلی نداشت. درست است؟

بله؛ او فقط از اینکه مسـئولان به او و دیگر پیران هنر این سـرزمین توجهی نداشـتند ناراحت بود. البتـه در اواخر عمرش ناگهان از پا افتاد و فرزندانش در ایام کرونا به‌سختی از او مراقبـت می‌کردند. آن‌ها هم در گفتگو با من توضیح دادند که در طول این سـال‌ها دریغ از یک تماس تلفنی از سـوی یکی از مسئولان و پرسیدن احوال پدرشان.

◄ تـــا آنجا که میدانم شـــما کتابی هم حاصل گفت‌وگو با روانشاد استاد عثمان محمدپرست آماده کرده‌اید. این کتاب بـــه گمان خودتان چه زمانی منتشـــر خواهد شد؟

همان‌طـور کـه فرمودید کتابـی در قالب گفت‌وگو با اسـتاد محمدپرست آماده چاپ کرده‌ام که از سـوی حوزه هنری باید بیرون بیایـد. در این کتاب علاوه بـر گفت‌وگوی خودم با روانشاد محمدپرست همه مطالب و سخنان او در رسانه‌ها و روزنامه‌های مختلف را هم آورده‌ام که «خنیاگر تنها» نام دارد.

رویداد

«داستان زمان ما» در نمایشگاه کتاب

همدلی| انتشارات «حس‌هفتم» در سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از آن دسته ناشران نوپایی است که در همین چند روز اول شروع به کار نمایشگاه، ادبیات را به غرفه‌ی کوچک خود کشانده است. این انتشارات با فعالیت به شکل اختصاصی در زمینه‌ی ادبیات و نقد ادبی، با چاپ کتاب و آثار بزرگان و نیز معرفی نویسـندگان و شـاعران تازه‌کار، خوب توانسـته است اسـب خود را در این میدان بتازانـد. دوره‌ی دوجلدی مکتب‌های ادبی ایران و جهان ، مجموعه‌ی داسـتان‌های زمانه‌ی ما و مجموعه‌ی شاعران معاصر ایران به قلم منتقد و پژوهشـگر فعال در حوزه‌ی ادبیات، فیض شریفی، از انتشارات حس هفتم از مجموعه کتاب‌هایی است که در این نمایشگاه به‌خوبی درخشیده‌اند و توجه مخاطبان حرفه‌ای ادبیات را به خود جلب نموده‌اند. از مجموعه داستان‌های زمانه‌ی ما، جلد ۱ به صادق هدایت ، جلد ۲ به صادق چوبک و جلد ۳ به هوشـنگ گلشیری اختصاص داده‌شده است و از مجموعه شاعران معاصر ایران نیز تا کنون نقد و بررسـی آثار و اشـعار اسماعیل خویی، علی باباچاهی و سـید علی صالحی توسط این انتشارات به چاپ رسیده اسـت. دوره‌ی دو جلدی مکتب‌های ادبی ایران و جهان حاصل چهل سال تلاش و فعالیت این منتقد و پژوهشـگر فعال در حوزه‌ی ادبیات است. این مجموعه یک آنتولوژی از قرن سـوم تا دوران معاصر است. در نثر از شاهنامه‌ی ابومنصوری آغاز می‌شود و تا آثار صادق چوبک ادامه دارد و در شـعر نیز از رودکی تا سـهراب سپهری را بررسـی نموده اسـت . در این مجموعه فیض شریفی با نقدی تطبیقی آثار نویسـندگان و بزرگان ادبیات ایران را موازی با نویسـندگان مطرح دنیا واکاوی کرده و با قلمی روان و شیوا به مخاطب شناسانده است.از دیگر کتاب‌های موردتوجه شـاعران و نویسندگان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که توسط انتشارات حس هفتم به چاپ رسیده اسـت می‌توان به کتاب با آنچه در زمینه و صحنه اسـت اثر سید حسـن اجتهادی و دیوان زالاس، مجموعه اشعار طنز سید ناصر اجتهادی به قلم خالو راشد (راشد انصاری) اشاره کرد. در کنار چاپ این آثار، انتشارات حس هفتم در زمینه‌ی معرفی شاعران و نویسندگان تازه‌کار نیز موفق بوده است. معرفی کتاب کره سیو از هیبت اله بهرام زاده، خیال کنید رفته‌اید از یادم از معصومه فتحی، نام ام صوتیست در باد از شیوا خالدی نیا، شاعران احساس های نقره‌ای درون خواب‌های بیداری‌اند از زهره یوسفی و آبانسا از رامک تابنده، از دیگر تلاش‌های سـتودنی این انتشارات در معرفی آثار نویسندگان توانمند و نوقلم است.غرفه انتشارات حس هفتم در سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران واقع در شبستان، راهروی ۱۳، غرفه‌ی ۱۴، تا روزهای پایانی نمایشگاه بین‌المللی با حضور بزرگان ادبیات کشـور به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

در اولین هفته فرهنگی سردرود

جشنواره تئاتر خیابانی سردریم کار خود را آغاز کرد

همدلی| دومین جشـنواره تئاتر خیابانی سـردریم در اولین فرهنگی سـردرود کار خود را آغـاز کرد. به نقل از روابط‌عمومی، دومین جشـنواره تئاتر خیابانی سردرود با حضور مسـئولان شورا و شهرداری سـردرود، فرماندهان نظامی و انتظامی سـردرود، داوران جشنواره و هنرمندان و شـهروندان شروع به کار کرد. بر اساس این گزارش، این مراسم با دیدار از گلزار شهدای شهر سردرود و سپس بازدید از نمایشگاه صنایع دستی و توانمندی‌های شهر سردرود و افتتاح موزه مردم‌شناسـی به طور رسمی کار خود را آغاز کرد. گفتنی است دومین جشنواره تئاتر خیابانی سردرود از ۲۸ تا ۳۱اردیبهشـت در دو پـارک آنالار و مره‌خونی با اجرای ۱۲نمایش خیابانی میزبـان مخاطبان خواهد بود. اختتامیه این جشنواره روز ۳۱اردیبهشت برگزار می‌شود. فرماندار تبریز در مراسـم افتتاح جشـنواره تئاتر خیابانی سـردریم، جشـنواره‌های فرهنگی را بستر مناسبی برای معرفی پتانسیل‌های شهری عنوان کرد. علی جعفری‌آذر ضمن اشـاره به ظرفیت‌های ویژه هنری و تاریخی شـهر سـردرود و اهمیت معرفی این ظرفیت‌هـا گفت: من از برگزارکنندگان هفته فرهنگی سـردرود و جشنواره تئاتر خیابانی تشکر می‌کنم و امیدوارم از این پس بیش‌تر شاهد چنین برنامه‌هایی باشیم. او افزود:کاش در تمام شهرهای اسـتان توانمندی‌ها و تاریخچه و قدمت شهرها که شاید خود بومی‌ها نیز نشناسند، چنین رویدادهایی برگزار بشوند. فرماندار تبریز تاکید کرد: بی‌شک هر حرکتی در راستای این معرفی‌ها در کوتاه‌مدت تاثیرات مثبت خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و اشـتغالزایی نشان خواهند داد. علی جعفری‌آذر در پایان خاطرنشـان کرد: هر چقدر شـهرها بزرگ‌تر می‌شوند انتظارات در این خصوص بالاتر می‌روند و ما در تبریز نیز با توجه به تنوع صنایع دستی، تنوع فرهنگی و هنری، تنوع ظرفیت‌هـای اجتماعی، صنعتی و... انتظار داریم برنامه‌های بیش‌تری برگزار بشود تا تاثیرات آن را در جذب گردشگر شاهد باشیم. امین‌حاجی اکبری، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون هم گفت: جشنواره‌های تئاتر، به ویژه تئاتر خیابانی بهترین بستر برای معضلات اجتماعی هستند به شـرطی که تداوم داشته باشـند. حاجی‌اکبری ضمن تاکید بر موضوع فوق اظهار کرد: ما در جامعه و محیط‌های شهری معضلاتی داریم که بسیار ریشه‌ای هستند و بالاترین بودجه‌ها در رفع آن‌ها موفق عمل نمی‌کنند. او افزود: تئاتر خیابانی به شکل غیرمستقیم و با کم‌ترین هزینه می‌تواند بسیاری مشکلات اجتماعی و شـهروندی را رفع بکند به شرطی که صرفاً برای کارنامه‌سازی و صرف بودجه نباشد.